

[**اصول مبارزه عاشورایی در خطبه حضرت زینب(س) - ۱**](https://www.balagh.ir/content/5202)

حضرت زینب(س) در شیوه تبلیغی خود، به ویژه در خطبه هایش می کوشد ضمن بیان افتخار و عزت اسلام و خاندان نبوت، پرده از نفاق امویان بردارد و با استنادهای تاریخی خود، خاندان اموی را رسوا و ادعاهای پوچ و بی اساس آنها را در تاریخ برملا کند.

قدر مسلم قیام امام حسین(ع) آغاز یک مبارزه و تکوین آن است، ادامه مبارزه و هدایت آن در مسیر واقعی اش مرهون اسارت زینب(س) است. برای حفظ ماهیت یک قیام پشتوانه ای قوی و برانگیزنده لازم است و سفیر کربلا سعی کرد مبارزاتش را بر اصولی تغییرناپذیر که از مبانی قرآن و سنت نبوی سرچشمه می گرفت، مبتنی سازد.
قیام عاشورا حرکتی اتفاقی و متعلق به یک زمان و مکان نبود، بلکه با مقدمه ای روشن، از زمان رسول خدا(ص) و بخصوص بعد از رحلت پیامبر(ص) و اعلام جانشینی حضرت علی(ع)، و بعد از آن با اسارت حضرت زینب(س)، قیام مختار و بیان امامان دیگر درباره علل و انگیزه های انقلاب حسینی، ادامه پیدا کرد و همچنان تداوم داد. چنانکه جنگ دشمن در کربلا نیز، بوی کینه های قدیمی و آثار زخم جنگ های رسول خدا(ص) و حضرت علی(ع) با قریش و دیگر کفار را می داد.
حضرت زینب و جریان های سیاسی
حضرت زینب(س) با احاطه کامل بر جریان های سیاسی، فرهنگی و تبلیغی منجر به سلطه و استبداد امویان، عمدتاً مشغول آگاهی بخشی مردم و رسوا کردن این خاندان بود. او این رویارویی اسلام اصیل و اسلام دروغین را مواجهه اسلام و کفر می دانست و در این منظر، حقایق تاریخی را آشکار و روشن می کرد.
از نگاه حضرت زینب(س) حوادث بزرگی مثل جنگ صفین، شهادت امام علی، امام حسن و امام حسین(ع) و اسارت خاندان نبوی همگی جز محصول عقده گشایی و خواری و حقارت خانواده ابوسفیان نیست؛ زیرا این خاندان، ضربه های مهلکی از آموزه های نظام اسلام خورده اند. آنان گرفتار انتقام کور تاریخی شده اند.
به همین دلیل حضرت زینب(س) در شیوه تبلیغی خود، به ویژه در خطبه هایش می کوشد ضمن بیان افتخار و عزت اسلام و خاندان نبوت، پرده از نفاق امویان بردارد و با استنادهای تاریخی خود، خاندان اموی را رسوا و ادعاهای پوچ و بی اساس آنها را در تاریخ برملا کند. حضرت زینب(س) تباهی، فساد و فسق آن خاندان را که به نوعی تداوم روحیه ها و هویت جاهلی است، آشکار می کند.
ظرایف خطبه زینبیه(س)
نکته ظریف در دعوت و سیره تبلیغی حضرت زینب(س) و در خطبه ها و سخنان ایشان آن است که همواره آنها را به صورت سلسله وار ذکر می کند. یعنی محتوا و مضمون سخنان خود را علاوه بر بیان شیوا و رسا، اولاً به آیات کتاب خدا، سپس احادیث جدش پیامبر(ص) و پدرش امام علی(ع) و پس از آن به وقایع تاریخی مستند می کند.
در خطبه ها، خطاب به شاهان و سران دستگاه یزید به آیه قرآن استناد می کند. حضرت زینب(س) به طور دقیق و ملهم از آیات قرآن کریم، به سنت های حتمی و قطعی خداوند در آفرینش اشاره می کند و در باب نبرد حق و باطل به سنت الهی «پیروزی نهایی حق بر باطل» اشاره می کند که چگونه علی رغم همه دسایس و خدعه ها، حقیقت در نهایت پیروز و ماندگار خواهد شد.
حضرت زینب(س) خطبه ای را هم در شام و در مجلس یزید و در بین کارگزاران حکومتی او ایراد نمود. در این خطبه برخلاف خطبه کوفه که مخاطب آن به طور مستقیم مردم، بودند به یزید حمله می کند و تصویری از نبرد حق و باطل و رویارویی خاندان نبوت با خاندان اموی ارایه می کند. حضرت زینب در این خطبه نهضت حسینی را به کمال رساند و اصول مبارزاتی و انقلابی قیام عاشورا را برای جهانیان تبیین نمود. خطبه ای که در واقع متمم نهضت امام حسین(ع) است.(۱)
اشعار کفرآمیز یزید آغاز رسوایی
اسیران اهل بیت(ع) را وارد دمشق کردند و در محل مخصوص اسکان اسیران جای دادند. یزید، مجلسی ترتیب داد، بزرگان شام را دعوت کرد و خود با نخوت تمام بر تخت نشست و در حالی که سر مقدس امام حسین(ع) در مقابلش بود، اسرا را به حضور طلبید.
یزید از سر کبر و غرور، دشمنی دیرینه خود به خاندان پیامبر(ص) و اسلام و قرآن را یکجا آشکار کرد و اشعاری را به زبان آورد که نشانه کفر و بی اعتقادی او به اسلام بود. «ای کاش بزرگان قبیله من که در جنگ بدر کشته شدند. می بودند و می دیدند که ... ما بزرگان بنی هاشم را کشتیم و آن را به حساب جنگ بدر گذاشتیم و این پیروزی را در برابر آن شکست به دست آوردیم. هاشم «پیامبر(ص)» با حکومت بازی کرد والا نه خبری از آسمان داشت و نه وحی بر او نازل شده بود و من از نسل خندف (قبیله مادری اش که بدنام بودند) نیستم اگر از فرزندان احمد انتقام نگیرم.»
آنگاه که یزید اشعار کفرآمیز خود را پایان داد، زینب کبرا(س) چون شیری خشمگین از جا برخاست و در جواب بلندپروازی و گردن کشی یزید، آیه شریفه ای از قرآن را تلاوت کرد. گزینش این آیه حاکی از حضور ذهن، آرامش خاطر و تسلط کامل او بر قرآن است.
«کافران خیال نکنند آنچه ما برای آنها پیش می آوریم و آنها را مهلت می دهیم. به نفع آنان و به خیر و سعادت آنها است. نه، بلکه این مهلت برای این است که بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها عذاب خوارکننده در پیش است.»
حضرت زینب(س) با بیان این آیه در واقع به ادامه مبارزه و استمرار قیام عاشورا اشاره کرد و طولانی شدن ستم و بقای ظالمان را نوعی عذاب برای آنان دانست و با کنایه به او فهماند که سرانجام آنها دوزخ خواهد بود و باید منتظر عذاب الهی باشند.
منزلت حجاب سرفصل خطبه زینبیه(س)
عقیله بنی هاشم چنین شروع به آغاز کرد: «آیا این عدل است ای پسر آزاد شده که زنان و کنیزان خود را پشت پرده جای دهی، ولی دختران پیامبر(ص) را در میان نامحرمان حاضر سازی؟ و آنها را در شهرها بگردانی و اهل بادیه و دور و نزدیک و پست و شریف، آنها را ببینند؟ در حالی که از مردان آنها کسی را باقی نگذاری و حمایت کننده ای ندارند.»
حضرت زینب(س) حجاب و عفتی کامل داشت و همچون مادرش فاطمه زهرا(س) به این امر مهم بسیار اهتمام می ورزید. «علامه مامقانی» در این باره فرموده است: زینب(س) در حجاب و عفاف یگانه است، احدی از مردان در زمان پدرش و برادرانش، تا روز عاشورا او را ندیده بودند.
«یحیی مازنی» که یکی از علمای دوران خود بود، می گوید: من در مدینه مدت مدیدی در همسایگی حضرت علی(ع) بسر می بردم، اما به خدا قسم ابداً زینب(س) را ندیدم و حتی صدای او را هم نشنیدم.
حضرت زینب(س)، نه تنها در حالتی عادی به حجاب و عفت اهتمام داشتند، بلکه در بحرانی ترین لحظات زندگی نیز این خصیصه تحت الشعاع مشکلات و مصایب قرار نگرفت و این مخدره، سعی و کوشش فراوان می کرد تا از انظار و دیده های مردم پوشیده باشد.(۲)
یزید از سلاله ناپاکان
حضرت زینب(س) یزید را «فرزند طلقا» خطاب نمود و آن اشاره به داستان فتح مکه است که پیامبر اسلام(ص) بزرگان مکه را که ابوسفیان، جد یزید هم از آنها بود، عفو کرد و بخشید و آنان را آزاد کرد و فرمود: «اذهبوا فانتم الطلقا»(۳)
«چگونه انتظار مهربانی و شفقت باشد از کسی که با دهان خود می خواست جگر پاکان را ببلعد و گوشت او از خون شهیدان اسلام روییده شده؟» زینب کبرا(س) با طرح و عنوان این مسئله می خواهد این نتیجه را بگیرد که آل ابوسفیان در اصل با اسلام مخالف اند و هرگز با اسلام و پیامبر(ص) آشتی نکرده اند. فرزندان ابوسفیان این حدق و کینه را سینه به سینه، به یکدیگر منتقل کردند و یزید براین زخم مرهم گذاشت. این جنگ، در واقع جنگ کفر و ایمان و جنگ غرور جاهلیت با تمامی ارزش های اسلام قلمداد می شود. و در ادامه به یزید یادآور می شود که جایگاه اجداد تو در جهنم است. «به زودی به اجداد خود در جهنم ملحق خواهی شد و خواهی گفت که ای کاش نبودم و چنین جنایتی را مرتکب نمی شدم.»
تحقیر و بیان سرنوشت دردناک ظالمان
ای یزید، برای تو کافی است در قیامت به دادگاهی وارد شوی که قاضی آن خدا، باشد و خصم و طرف دعوای تو محمد(ص) و پشتیبان او جبرئیل. در روز قیامت، نه تنها تو به مکافات اعمال ضد انسانی خواهی رسید، بلکه آنهایی هم که تو را بر این مسند نشاندند و بر گرده مسلمین سوار کردند، سزای همکاری های خود را دریافت خواهند نمود. آن روز است که بدانید، چه سرنوشت دردناکی دارید و یکی پس از دیگری بدبخت و بیچاره تر و ناتوان تر و شکست خورده تر خواهید بود.
حضرت زینب(س)، یزید ملعون را در این معامله بازنده و شکست خورده معرفی می نماید.

منبع: پیام زن - اسفند۱۳۸۷ - شماره ۲۰۴ - اصول مبارزه عاشورایی در خطبه حضرت زینب(س)
----------------------------
پی نوشت:
۱- WWW.Pasokhgoo.ir
۲. حسن الهی (بوته کار)، زینب کبرا عقیله بنی هاشم، تهران، مؤسسه فرهنگی آفرینه چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۹۹ - ۱۰۰.
۳. اسماعیل منصوری لاریجانی، زینب کبرا، فریادی بر اعصار، تهران، مرکز نشر فرهنگی آیه، چ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۵۴.